

متن پرسش

با سلام: ببخشید آقای طاهرزاده یک سوال ازتون داشتم و آن اینکه شما می گوئید بنیانگزار انقلاب حضرت آیت الله خمینی عارف کامل و مکمل است. در صورتی که در همایش نور مجرد حدود ۳ سال پیش که بزرگداشت علامه طهرانی بود، در آن همایش یکی از سخنرانان که فکر کنم حضرت حجت الاسلام آقای وکیلی بود سخنی را از رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای نقل کرد، بدین صورت که آقای خامنه ای گفتند من یک روز از آقای خمینی پرسیدم که آیا شما از مرحوم ملکی تبریزی استفاده کردید؟ گفت ایشون با یک تاسف و حسرت گفتند نه. چون من در آن موقع در خدمت آقای شاه آبادی در عرفان نظری کار می کردیم و الفاظ پر طمطراق عرفان نظری ذهن مرا گرفته بود و یک جلسه به درس مرحوم ملکی تبریزی رفتم ولی اون جلسه به من نشست و من رو نگرفت و من دیگه نرفتم. با توجه به این سخن اگر ایشون کامل بود دیگه جای تاسف و ناراحتی نداره که از مرحوم ملکی تبریزی استفاده نکرده اند. مهم این است که انسان به مقصد برسد چه حالا از مرحوم ملکی تبریزی استفاده کند چه از غیره و ذلك. در پیش مرحوم شاه آبادی هم که حدود ۷ سال عرفان نظری خوانده اند. پس چگونه ایشان کامل بودند؟ و استادشان که بوده؟ چطور حرف شما و حرف ایشان را می شود با هم جمع کرد. بعد در ضمن در آخر وصیت نامه آقای خمینی آمده که: (من در طول نهضت و انقلاب به واسطه سالوسی و اسلام نمایی بعضی افراد ذکری از آنان کرده و تمجیدی نموده ام که بعد فهمیدم از دغلبازی آنان اغفال شده ام. آن تمجید ها در حالی بود که خود را به جمهوری اسلامی متعهد و وفا دار می نمایند.) در صورتی که ایشان به کمال رسیده بودند نباید از دغل بعضی ها اغفال می شدند و از آنان تعریف می کردند چون پسر علامه طهرانی در یکی از کتابهایش درباره انسان کامل توضیح داده و می گوید انسان کامل در سه جا معصوم و بدون خطاست. ۱. تربیت افراد. یعنی اگر مشکلی هم پیش بیاید نقص مربوط به شاگرد است و استاد در ادا کردن وظیفه اش کوتاهی نمی کند. ۲. در مسایل اجتماعی ۳. اوامر و نواهی و احکام و مبادی و ملاکات شرعی. بنابر این اگر آقای خمینی کامل بودند در این موضوع یعنی فریب خوردن از بعضی افراد و متعهد نمایان حکومت که جزو بخش مسایل اجتماعی است اشتباه نمی کردند. کما اینکه حکایتی از علامه طهرانی در نوشتجات پسرشان آمده که اتقان مطالب گفته شده را بیشتر می کند. و آن اینکه: بیاد دارم که در اواخر سلطنت پهلوی و دوران شور و هیجان مبارزات و مجاهدت های مردم ایران شبی به اتفاق مرحوم والد (ره) از مسجد قائم به سمت منزل پیاده حرکت می کردیم. در بین راه چشم ایشان به دکه روزنامه فروشی افتاد که عکس یکی از افرادی را که در خارج با مرحوم آیت الله خمینی (ره) بسیار نزدیک و از زمره تعداد قلیل

مرتبطین مورد اعتماد و وثوق ایشان به شمار می رفت، در روزنامه چاپ کرده بودند. ایشان ایستادند و از بنده سوال کردند که این شخص کیست که عکس او را در اینجا انداخته اند؟ عرض کردم فلان شخص است و از نزدیکان آیت الله خمینی به شمار می رود. ایشان پس از نگاهی عمیق رو کردند به من و فرمودند: عن قریب است که از این مرد بلائی بر سر ایران بیاید که دیگر جبران نخواهد شد. پاورقی کتاب: این شخص سید ابوالحسن بنی صدر بود که با رأیی حدود یازده میلیون به عنوان اولین رئیس جمهور انتخاب شد و با حکم آیت الله خمینی (ره) به عنوان رئیس شورای انقلاب و فرمانده کل قوا منصوب شد و در نهایت بعد از جنایت و خیانت های فراوان در سی و یک خرداد ۱۳۶۰ توسط مجلس شورای اسلامی و امضا آن توسط رهبری وقت عزل شد. کتاب اسرار ملکوت. جلد ۲ ص ۲۷. پایان مطلب) همانطور که دیدید در این مورد علامه طهرانی که از کملین عرفا و نوادر اولیا الهی و به شهادت آقای حداد که بعد از معصومین کسی را مانند آقای قاضی و بعد از مرحوم قاضی کسی را مانند آ سید محمد حسین (علامه طهرانی) ندیدم؛ مورد اغفال و فریب وفا داری و تعهد ظاهری بنی صدر قرار نگرفت و به محض برخورد با این موضوع حقیقت را آشکار کردند. علی کل حال اینطور که از این قرائن و شواهد ناگفته دیگر بر می آید گویا رهبر کبیر انقلاب حضرت آقای خمینی رضوان الله علیه در عین مقام والا و ارزشمندشان به کمال نرسیده بودند ولی به عکس در عرفان نظری بی شک ایشان از بزرگترین های اهل این رشته در طول تاریخ بودند. حال آقای طاهرزاده از شما خواهشمندم که نظر واقعیتان که از ته دل است را بفرمایید و بگوئید که آیا به نظر شما ممکن است ایشان کامل نباشند یا حداقل در حد احتمال. آخر به خصوص از جمله خودشان در وصیت نامه مبنی بر اغفال شدن و فریب خوردنشان از وفاداری ظاهری بعضی افراد و تمجید کردن از آن ها می شود گفت تا حدودی عدم کمال ایشان را ثابت می کند یا تاسف و حیرتی که از استفاده نکردن از مرحوم ملکی تبریزی خورده اند و شواهد دیگر. ببخشید از طولانی شدن نوشتار. با تشکر.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: روی هم رفته در جریان این مسائل و مطالب هستم. فراموش نفرمایید که سالکِ اِلی الله دائماً نسبت به کمالات برتر در تأسف است تا آنجایی که رسول خدا «صلوات الله علیه واله» در محضر حق عرضه می دارند: «مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ وَ مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ». از طرفی مگر حضرت امام وقتی عارف کامل مکمل باشند، معصوم به حساب می آیند؟ تازه مگر امام علی «علیه السلام» به آن فرمانداری که به خطا رفته بود، فرمودند خوبی پدرت مرا به تو خوش بین کرد؟ آیا می توان این موضوع را دلیل عدم عصمت امام دانست؟ در رابطه با عارف کامل مکمل بودن حضرت امام باید به نقش تاریخی ایشان نظر نمود. موفق باشید